تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی

نویسنده : علی حاتمی، سمیرا جبارنژاد

کیان کیانی

www.kiankiani.com

موضوع : مقاله‌ای در ارتباط با معرفی، مفروضات، و ارزیابی تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی

علی حاتمی، سمیرا جبارنژاد

چکیده

انسان‌ها زبان را به منظورهای مختلفی چون انتقال و کسب اطلاعات، بیان احساسات و مواردی از این قبیل به کار می‌برند. از طرفی دیگر انسان‌ها به کمک تجربه‌های شخصی خود از محیط بیرون و گفتار دیگران برداشت‌ها و تعابیری حاصل می‌کنند که گاه با واقعیت تطابق دارد و گاه فاصله‌ای در این بین موجود است و همین عدم تطابق برخی تعابیر با واقعیت‌ها انگیزه‌ای شد تا نظری هر چند گذرا به این جنبه بررسی زبان یعنی "تحلیل گفتمان" افکنده شود. تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به "سخن‌کاوی"، "تحلیل کلام" و "تحلیل گفتار" نیز ترجمه شده است، یک گرایش بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی ـ معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علومِ اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. در این مقاله با رویکردی نظری سعی شده است تحلیل گفتمان و ابعاد آن بعنوان یک روش تحقیق در علومِ انسانی نشان داده شود.

واژگان کلیدی :

علوم انسانی، تحلیل گفتمان، روش تحقیق، علوم اجتماعی، دانشگاه.

مقدمه

انسان‌ها زبان را به منظورهای مختلفی چون انتقال و کسب اطلاعات، بیان احساسات و مواردی از این قبیل به کار می‌برند. از طرف دیگر انسان‌ها به کمک تجربه‌های شخصی خود از محیط بیرون و گفتار دیگران برداشت‌ها و تعابیری حاصل می‌کنند که گاه با واقعیت تطابق دارد و گاه فاصله‌ای در این بین موجود است و همین عدم تطابق برخی تعابیر با واقعیت‌ها باعث می‌شود که از گفتگو بین دو یا چند نفر تعبیر دیگری استنباط شود.

وقتی شخصی قطعه‌ای از زبان را می‌خواند یا می‌شنود نه تنها تلاش می‌کند معنای واژه‌ها را بفهمد، بلکه درصدد است که مقاصد نویسنده یا سخنگو را نیز استنباط کند. پاره‌ای از جمله‌ها یا قطعه‌ای از گفتارها را از نظر معنا نمی‌توان فهمید، مگر اینکه انسان بداند چه کسی صحبت می‌کند، دربارهٔ چه چیزی یا چه کسی حرف می‌زند، چه زمانی و در چه مکانی مطلب را بیان کرده است.

گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌توانند گفته شوند یا درباره‌شان فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی، و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم کننده معنا و ارتباطات اجتماعی است. فوکو اشاره می‌کند که تکیه وی بر گفتمان به گونه‌ای مستقل از زبان و اندیشه، بدین‌معنا نیست که در مقابل سلطه آن نمی‌توانیم کاری بکنیم. گفتمان‌ها اعمالی هستند که به‌طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند... گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، آنها سازنده موضوعات بوده و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌دارند (به نقل از تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵).

تحلیل گفتمان، روشی نوین برای پژوهش در متن‌های ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به کار رفته در پیام‌های ارتباطی کاربرد یافته است. این روش در آغاز تا حد زیادی وامدار زبان‌شناسی بوده است.

در این مقاله سعی شده است از طریق مباحث زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنبه‌هایی از زبان "این مهم‌ترین وسیله ارتباط آدمیان" تا حدی معرفی شود. برای درک بهتر تحلیل گفتمان و جایگاه آن در علوم انسانی با توجه به اینکه همیشه یک رابطه نزدیک و گمراه کننده بین تحلیل محتوا و تحلیل

گفتمان بوده است ابتدا به بررسی سیر تاریخی تحلیل محتوا می‌پردازیم.

بررسی سیر تاریخی تحلیل محتوا

ورود کامپیوتر به عرصه تحقیقات در دهه ۱۹۶۰ توجه به نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی و قاطعیت بررسی‌های زبان‌شناختی، پدیده‌های عمده‌ای هستند که بر رشد و توسعه تحلیل محتوا تاثیر عمیقی گذاشت. همراه با گسترش فناوری‌های ارتباطی و همچنین تحول نظریه‌های "تاثیرپذیری مخاطب" و اهمیت دادن به انتخاب‌گر بودن او، فنون تحقیق و تحلیل محتوا نیز رو به توسعه نهاد. در بررسی‌های تاریخی تحلیل محتوا، پنج فن گوناگون قابل شناسایی است که عبارت‌اند از :

۱. تحلیل مقوله‌ای۲. تحلیل سنجش۳. تحلیل بیان ۴. تحلیل نحوه‌ی بیان ۵. تحلیل گفتمان.

در تشریح فن "تحلیل مقوله‌ای" می‌توان گفت که این نوع از تحلیل هر چند قدیمی‌ترین نوع تحلیل به شمار می‌رود، از نظر کاربرد، بیشترین میزان استفاده را دارد. "تحلیل مقوله‌ای بر پایه عملیات برش متن در واحدهای مشخص و سپس طبقه‌بندی این واحدها در مقوله قرار دارد که برحسب مشابهت طبقه‌بندی شده‌اند.

در "تحلیل سنجش" اساس بر این است که زبان به‌طور مستقیم بیانگر و معرف شخصی است که از آن استفاده می‌کند. به همین دلیل به مفهوم زبانی که همین فن تحلیلی بر پایه آن استوار است"زبان نمایشی" گفته می‌شود. تحلیل سنجشی که به‌نظر اوزگود از فنون پر زحمت و دشوار به شمار می‌رود، طی چهار مرحله صورت می‌گیرد : ابتدا ترکیب‌های بیانی سنجش شناسایی می‌شوند. در مرحله دوم، موضوعات شناسایی و جداسازی می‌شوند. در مرحله سوم، جملات بیانی تنظیم و رمزگذاری می‌شوند. در آخرین مرحله، رمزگذار با جهت دادن مثبت یا منفی به رابطه کلامی، شدت این جهت را روی یک طیف هفت قسمتی مشخص می‌کند.

"تحلیل بیان" را که روی عناصر و ساختارهای صوری بیان انجام می‌شود دون روگ عرضه کرد. هرچند این فن هنوز به حد کمال خود نزدیک نشده است، اما به دلیل کاربرد وسیع و ساده آن مورد توجه قرار گرفت. تحلیل بیان ساختارهای صوری دستوری "تحلیل نحوی"، طرز قرار گرفتن اجزای نطق "تحلیل منطقی" و فراموشی‌ها و اشکال‌های نطقی "تحلیل عناصر صوتی غیر نوعی" را بررسی می‌کند.

لورنس باردن در مورد تحلیل نحوه بیان اعتقاد دارد که در تحلیل نحوه بیان، شاخص‌های به کار رفته، معناشناختی نبوده‌اند، بلکه از نوع شاخص‌های صوری هستند. با این وصف چون هدف، گذر سطحی دیگر از محتوا از طریق شکل محتوا و به‌طور مستقیم است، تحلیل نحوه بیان در حیطه تحلیل محتوا قرار می‌گیرد(کیا، ۱۳۸۱ :۸۶).

دلبستگی به روش تحلیل محتوا به تدریج نوعی نگرش کمّی را بر اندیشه محققان ارتباطی در جوامع حاکم کرده است. اما در جهان پس از انتشار آثار زلیک هریس در اواخر دهه ۵۰ و به خصوص فان دایک در اوایل دهه ۷۰ تحلیل گفتمان بعنوان شیوه‌ای مقبول و مشهور در مطالعات ارتباطی و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای مطرح شده است. شناخت و درک عمیق از معناهای نهفته در متون ارتباطی، مستلزم استفاده از روش‌های تحلیل کیفی در این عرصه است. گربنر گفته است توجه اصلی مطالعه در مورد ارتباط بر تولید، سازمان، ترکیب‌بندی، ساختار، توزیع، تحول تاریخی و عملکرد سیستم‌های پیام در جامعه است.

تاریخچه تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به "سخن کاوی"، "تحلیل کلام" و"تحلیل گفتار" نیز ترجمه شده است، یک گرایش بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. از این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن خیلی زود بعنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم

سیاسی، علومِ اجتماعی، ارتباطات و زبان شناسی انتقادی استقبال شد.

اصطلاح "تحلیل گفتمان" نخستین‌بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند.

به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری ـ مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری ـ مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره است. دیری نگذشت که بعضی از زبان‌شناسان این مفهوم را در معناهای متفاوتی به کار بردند. دسته اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است. مطابق این تعریف، تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله بعنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن سر و کار ندارد، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سر و کار دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان "چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط عوامل درون زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند" (فرکلاف،۱۳۷۹: ۸).

تعاریف تحلیل گفتمان

در مورد تحلیل گفتمان تعاریف گوناگونی وجود دارد که در ذیل چند تعریف از صاحب‌نظران این زمینه آورده شده است :

یول و براون در کتاب تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل گفتمان را این چنین تعریف کرده‌اند : تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، در

این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (فرکلاف،۱۳۷۹: ۹).

همچنین شیفرین و استابز چنین گفته‌اند : تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار بدهد(همان).

فان دایک نیز در پاسخ به این سوال که گفتمان دقیقاً به چه معنایی است؟ اظهار می‌دارد که "کاش می‌توانستم آنچه را که دربارهٔ گفتمان می‌دانم، به شکلی فشرده در تعریفی ساده بگنجانم". او ادامه می‌دهد که متاسفانه مفهوم گفتمان نیز مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ مفهومی اساساً مبهم است(میرفخرایی،۱۳۸۳: ۷).

لورنس باردن مولف کتاب تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان را پروژه‌ای نابالغ می‌داند که جنبه نظری پرمدعایی دارد (کیا، ۱۳۸۱: ۸۷).

مک میلن نیز در مقاله‌ای با عنوان الفبای تحلیل گفتمان می‌گوید :

تحلیل گفتمان یک اصطلاح برای مطالعه قسمت اعظم زبان است. به‌طورکلی شامل تنوع رویکردها و دیدگاه‌های مختلف با روش‌های گوناگون زیادی است و در جایی دیگر اضافه می‌کند تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از روش‌ها و تئوری‌ها برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است (Macmillan, ۲۰۰۶: ۱).

استاب نیز سه ویژگی برای توصیف تحلیل گفتمان بیان می‌کند که عبارت‌اند از :

۱. بعنوان امری که درباره کاربرد زبان فراتر از حدود بیان یک جمله است.

۲. امری درباره روابط درونی بین زبان و جامعه است.

۳. امری که درباره عامل مؤثر یا ویژگی‌های گفتاری ارتباطات روزمره است (Stubbs ۱۹۸۳ :۱).

او در ادامه می‌گوید اصطلاح تحلیل گفتمان بسیار مهم است. من از این اصطلاح عمدتاً برای اشاره به تحلیل زبان‌شناختی که درباره گفتار یا کلام نوشتاری رخ می‌دهد استفاده می‌کنم. تقریباً این اصطلاح به مطالعه ساختار زبان فراتر از جمله مربوط می‌شود. بنابراین، مطالعه واحدهای زبانی بزرگ‌تر، نظیر گفتمان محاوره‌ای یا متون نوشتاری است (Slembrouck ,۲۰۰۶).

شیفرین نیز با تکیه بر گستره متنی، تحلیل گفتمان را چنین تعریف می‌کند :

تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مطالعه کند. بنابراین، واحدهای زبانی نظیر مکالمات یا متون نوشتاری را بررسی می‌کند. براین اساس تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سر و کار دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

گفتمان به تلازم گفته با کارکرد اجتماعی یا معنایی آن تعبیر شده است. از این‌رو تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته (یا متن) کارکردهای فکری اجتماعی. در عمل تحلیل گفتمان درصدد کشف و تبیین ارتباط بین ساختار دیدگاه‌های فکری اجتماعی و ساختارهای گفتمانی است (یارمحمدی و خسروی نیک، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی در علوم انسانی

از ابتدای قرن بیستم تحلیل محتوا بعنوان یک روش کمّی در کار پژوهشگران جا باز کرد. اولین کسی که تاریخ تحلیل محتوا را واقعا روشن می‌کند "هارولد لاسول" است. او تقریباً ازسال ۱۹۱۵ تحلیل‌هایی از مطبوعات و تبلیغات به عمل می‌آورد. در سال ۱۹۲۷ فنون تبلیغات در دنیای جنگ منتشر می‌شود (باردن، ۱۳۷۴: ۱۰).

در تعریف تحلیل محتوا، تعریف برنارد برلسون هنوز هم با گذشت سال‌ها، مورد استناد پژوهشگران است. او می‌گوید : تحلیل محتوا یک شیوه تحقیقی

است که برای تشریح عینی، منظم و کمّی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود (بدیعی، ۱۳۸۰: ۷).

تاکید برلسون بر کمّی بودن تحلیل محتوا در تعریف کاپلان نیز مشاهده می‌شود :

روش تحلیل محتوا، معناشناسی آماری مباحث سیاسی است (Kaplan, ۱۹۴۳: ۲۳۰).

در روش تحلیل محتوا آماری بودن روش، حکایت از کمّی بودن آن دارد. در مقابل، روش تحلیل گفتمان یک روش کیفی است که از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها حاصل شده است. وان دایک چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را این‌گونه برمی‌شمارد :

اول، تحلیل گفتمان یک پیام رسانه‌ای را بعنوان یک گفتمان تمام‌عیار مستقل بررسی می‌کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط (یا همبستگی‌ها) میان این و یا آن ویژگی اغلب محتوا و گاهی سبک پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده/سخنگو یا خوانندگان انجام می‌گیرد. گفتمان رسانه‌ای بعنوان شکلی از عمل اجتماعی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همه سطوح تحصیل، هدفی معقول محسوب می‌شود. دوم اینکه، هدف تحلیل گفتمان عمدتاً تشریح داده‌های کیفی است و نه داده‌های کمّی. البته معیارهای کمّی را می‌توان به خوبی بر تحلیلی، آشکار از نوع عمدتاً بیشتر کیفی بنیان نهاد. سوم اینکه، درحالی‌که تحلیل محتوا عمدتاً (بیشتر) بر مبنای داده‌های مشاهده شدنی و محاسبه‌پذیری چون واژه‌ها، عبارات، جمله‌ها و یا ویژگی‌های سبک‌شناختی مبتنی است، تحلیل گفتمان سوالی روشن کردن ساختارهای سطحی برحسب گرامر نوین به ساختارهای معناشناختی شالوده‌ای هم توجه دارد و فرض‌ها، ارتباط‌ها، دلالت‌ها و راهبردها را هم روشن می‌سازد. اینها معمولاً در گفتمان در حالت پوشیده باقی می‌مانند. تحلیل گفتمان در قالب نظریه‌های تجربی، تلاش می‌کند قوانین یا اصول شالوده‌ای این ساختارها، تولید و درک پیام رسانه‌ای را بیابد (وان دایک، ۱۳۷۸: ۱).

همان‌گونه که ملاحظه شد، وان دیک برخلافِ برلسون و کاپلآنکه تحلیل محتوا را روشی کمّی می‌دانند به کیفی بودن روش تحلیل گفتمان اعتقاد دارد.

بنابراین، تحلیل گفتمان به مثابه یک روش کیفی در مطالعات علوم انسانی به کار گرفته شود. زیرا در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری با معناشناسی کاربردی متن سر و کار داریم.

پیش‌فرض‌ها و انگارهای تحلیل گفتمان

پیش‌فرض‌ها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، مکتب واسازی، روانکاوی مدرن و دیدگاه فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شکل گرفته، عبارت است از :

۱. انسان‌های مختلف، به متن یا گفتار واحد متفاوت نگاه می‌کنند. یعنی انسان‌های مختلف از متن واحد، برداشت یکسان و واحدی ندارند. دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود.

۲. خواندن (برداشت و تفسیر از متن) همیشه نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است.

۳. متن را بایستی بعنوان کل معنادار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.

۴. هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد، متن‌ها بار ایدئولوژیک دارند.

۵. حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.

۶. نحو متن نیز معنادار است، چون نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند نظیر : رمزها، بافت‌ها، مشارکت‌ها و تاریخ مختلف وابسته‌اند.

۷. معنا همان‌قدر که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیر می‌پذیرد. معنا و پیام یک متن در بین نوشته‌های آن متن

قرار دارد.

۸. هر متنی در زمینه‌ها و موقعیت خاصی تولید می‌شود. از این‌رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد.

۹. هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است.

۱۰. گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد؛ یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان (فرکلاف،۱۳۷۹).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یک فن و روش جدید در مطالعه متون، رسانه‌ها و فرهنگ‌هاست. در این روش محقق برآن است که رابطه بین مولف، متن و خواننده را نشان دهد و مشخص کند چه زمینه‌ها و عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در تولید گفتمان تاثیر دارند. در این روش تحلیلگر از بافت متن (شکل و ساختار) فراتر می‌رود و وارد بافت موقعیتی متن (شرایط و ابعاد ایدئولوژیک) می‌شود و به تحلیل آن می‌پردازد. در واقع روش تحلیل گفتمان سعی می‌کند که نشان دهنده معانی نهفته در ذهن مولف باشد.

اما با توجه به پیش‌فرض‌های که قبلاً به آنها اشاره شد، مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارت است از :

۱. نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده.

۲. روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی "جریان تولید گفتمان".

۳. نشان دادن تاثیر بافت متن (واحدهای زبانی، محیط بلافصل مربوطه و کل نظام زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) برگفتمان.

۴. نشان دادن موقعیت و زمینه‌های خاص تولید کننده گفتمان(زمینه تولید گفتمان).

۵. نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ‌وقت به‌طور کامل درک نمی‌شود.

۶. آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره درصدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً ناآگاهانه و غیرعامدانه باشد.

۷. هدف عمده تحلیل گفتمان این است که فن و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... به‌دست دهد. مبادی فکری این روش همان پیش‌فرض‌های پسامدرن هستند. (بلیک رید و ادوین هارولدس،۱۳۷۸).

موارد استفاده از تحلیل گفتمان

سهم تحلیل گفتمان پست‌مدرن، به‌کارگیری افکار انتقادی به خوبی گفتمان‌های دیگر در موقعیت‌های اجتماعی و سیاست‌های پنهان (یا آشکار) درون جامعه است، که بر جامعه مسلط هستند (تفسیر جهان، نظام‌های اعتقادی و...).

تحلیل گفتمان می‌تواند در مورد هر زمینه‌ای و یا در مورد هر مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود. چون تحلیل گفتمان اساساً یک خوانش تفسیری و ساختاری است، پس از هیچ رهنمود ویژه‌ای پیروی نمی‌کند (در واقع یک راهنمایی دقیق و خاصی برای این روش وجود ندارد).

به همان اندازه که هر شخصی می‌تواند از نظریات ژاک دریدا، میشل فوکو، ژولیا کریستوا و یا فدریک جیمسون استفاده کند، می‌تواند از نظریات متفکران پست‌مدرن و انتقادی نیز استفاده کند.

هدف تحلیل گفتمان معطوف به جمع‌آوری جواب‌های دقیقی نیست، فقط این روش به ما کمک می‌کند که افق‌های دید شخصی‌مان را گسترش دهیم. به همان اندازه که می‌توانیم به افق‌های دید دیگران دست بیابیم، می‌توانیم برنامه کار و هیجانات ناشناخته و نارسایی‌های خودمان را بهتر بشناسیم. به

عبارت دقیق‌تر تحلیل گفتمان آنچه در پشت اعمال وجود دارد را روشن می‌کند.

برای مثال تحلیل گفتمان نظریه‌های علوم انسانی را به کار می‌برد و در برابر اعتبار و درستی روش تحقیق (کمّی یا کیفی) بحث نمی‌کند و بیان یا ارزش خاصی را نشان نمی‌دهد. تحلیل گفتمان بر وجود پیام متن‌ها و قرارگرفتن آنها درون یک زمینه اجتماعی و یا تاریخی تاکید می‌کند. هدف تحلیل گفتمان روشن کردن هیجانات و سیاست‌هایی است که شامل بحث برای یا علیه یک روش تحقیق خاص، قضیه یا ارزش است.

روایی و پایایی در تحلیل گفتمان

گفتمان یا تحلیل انتقادی همیشه یک مساله تفسیری بوده است. در این روش با داده‌هایی که در طول تحلیل گفتمان جمع‌آوری شده است، مشکلی نداریم. پس روایی و پایایی یک تحقیق و یافته‌های آن وابسته به بحث‌های منطقی است که وجود دارد. حتی بهترین بحث‌های ساخت‌یافته سوژه‌ای برای ساختارشکنی مطالب می‌شود. اعتبار تحلیل گفتمان به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است.

مزایا و معایب تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان و تفکر انتقادی برای هر موقعیت و هر موضوعی کاربردی است. نگرش تازه که با تحلیل گفتمان فراهم شده است راه را برای رشد شخصی و ابتکار در سطح بالا باز می‌کند. تحلیل گفتمان معتبر می‌تواند منجر به تغییرات زیادی در آداب و رسوم، نهادها، حرفه‌ها و یا جامعه بعنوان یک کل شود. بنابراین، تحلیل گفتمان نمی‌تواند جواب دقیقی فراهم کند. تحلیل گفتمان علم سختی نیست. اما دانش و نگرشی مبتنی بر استدلال و بحث‌های مستمر است. از دیگر معایب تحلیل گفتمان می‌توان به کاربرد آن اشاره کرد. متاسفانه دو آسیب جدی همواره محققان را در کاربرد تحلیل گفتمان تهدید می‌کند، که اینک در دو قالب کلی عدم آشنایی با روش و ناتوانی در کاربرد روش به آن پرداخته خواهد شد :

الف : عدم آشنایی با روش تحلیل گفتمان

نخستین آسیب جدی که محققان را در کار بست تحلیل گفتمان، تعقیب می‌کند نداشتن شناخت کافی در تمیز شیوه‌های تحلیل گفتمان از یک‌سو، و به کار بردن تحلیل محتوا به جای تحلیل گفتمان از سوی دیگر است.

ب : ناتوانی در کاربرد روش تحلیل گفتمان

برخی سنت‌های ناپسند در محافل آکادمیک سبب‌ساز آسیب‌های روش‌شناسی در کار محققان می‌شود. بعنوان مثال گرایش محققان به استفاده از محاسبات آماری و جداول به کار رفته در تحقیق، زمینه‌ای را به وجود می‌آورد تا محققان تصور کنند روش‌هایی چون تحلیل گفتمان که آمار و ارقام روش‌های کمّی را ندارند، فاقد اعتبار و روایی‌اند؟! اگر محققان بدانند که کمّی کردن تحلیل، اغلب به محتوای آشکار پیام محدود می‌شود و محقق را در پی بردن به پیام پنهان ناتوان می‌کند، در می‌یابند که اصولاً روش‌های کمّی برای حصول نتیجه ناتوان‌اند دلبستگی به سنت‌های رایج و به کار بستن روش تحلیل محتوا به مرور زمان نوعی نگرش کمّی بر اندیشه محققان حاکم کرده است. اما به‌نظر می‌رسد با اهمیّت یافتن جایگاه تحقیقات کیفی، چنین عاداتی از بین برود.

دیگر نقدهایی که بر نظریه "گفتمان" وارد است را می‌توان آنها به دو گروه تقسیم کرد : گروه اول انتقادات وارد بر مفروضات فلسفی نظریه مزبور است، و گروه دوم به مفاهیم و استدلال‌های اساسی، که برای تحلیل فرایندهای سیاسی و اجتماعی بسط یافته، اختصاص دارد.

درباره مفروضات فلسفی نظریه گفتمان دو ادعای عمده مطرح شده است : نخست ادعا شده است که این رویکرد ایده‌آلیستی (آرمان گرایانه) است، دوم آنکه این رویکرد گونه‌ای از نسبیت‌گرایی است.

ایراد اساسی نظریه‌های گفتمان این است که به دلیل عدم قابلیت تحلیل پدیده‌های فراگفتمانی آنها را فاقد معنای مستقل تلقّی می‌کنند. اشکال دیگر

آن است که به دلیل کیفی بودن، تفسیر متن را به محقق واگذار می‌کنند و تحلیل را به نسبی بودن دچار می‌سازند.

با این وجود، نقدهای اساسی دیگری نیز بر نظریه "گفتمان" وارد شده است. بر پایه این نقدها، نظریه گفتمان با سه پیام اساسی همراه خواهد بود :

۱. از هم پاشیدگی و بی‌ثباتی کامل روابط و ساختارهای اجتماعی

۲. کنارگذاری مفهوم ایدئولوژی و دستاویز انتقادی‌اش

۳. ناتوانی (یا بی‌میلی) برای تحلیل نهادهای سیاسی و اجتماعی.

سخن آخر

فن "تحلیل گفتمان" سعی دارد از روی آثار ظاهری گفتار، ساختار تولید و رابطه کلی آن را مطالعه کند. با این فن تحقیق بیشتر در قالب جامعه‌شناسی گفتار بررسی می‌شود. از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، در پی تغییرات گسترده علمی معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.

تحلیل گفتمان سعی دارد با مطالعه عوامل بیرون از متن به ترکیب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... دست پیدا کند و کاری فراتر از تحلیل‌های سنتی عرضه کند. این تلاش تحلیل گفتمان از علاقه واضعان این فن به نظریه‌های ایدئولوژیکی و تاریخ علوم نشئت می‌گیرد.

تحلیل گفتمان که یکی از روش‌های کیفی مطرح در حوزه‌های مختلف ارتباطات، زبان‌شناسی انتقادی، علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود، سعی دارد رابطه بین تشکیل ایدئولوژی و تشکیل گفتار و شرایط را تولید کند. این مساله نشان دهنده تاثیرپذیری واضعان این فن از مطالعات آلتوسر است که رسانه‌ها را "دستگاه ایدئولوژیک دولت" می‌دانست.

فن تحلیل گفتمان بر پایه اصولی چون آماده‌سازی و تجزیه گفتار، جست‌وجوی وابستگی‌های کارآمد در عبارات و بین عبارات، بررسی وابستگی‌های کارآمدی داخل جمله‌ها و تبدیل جمله‌ها به واحدهای کوتاه، طبقه‌بندی و رمزگذاری روابط دوگانه جملات و تحلیل وابستگی‌ها استوار است.

در حقیقت، باید گفت فن تحلیل گفتمان به دلیل ناکارآمدی روش‌های دیگر تحلیل محتوا در دستیابی به لایه‌های پنهان متن و فراتر رفتن از سطح عینیت‌ها وارد حوزه بررسی پیام‌های ارتباطی شد و این را باید برخاسته از مقتضیات زمان و توجه متفکران معاصر به بحث‌های انتقادی در مورد رسانه‌ها دانست.

این فن پیشرفت خود را مدیون تلاش‌های دانشمندانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو و متفکران منتقدی چون آلتوسر و گرامشی و اندیشمندان مکتب فرانکفورت می‌داند.

منابع

باردن، لورنس.۱۳۷۵. تحلیل محتوا، ترجمه آشتیانی و سرخابی، تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

بدیعی، نعیم.۱۳۸۰. تحلیل محتوا، تهران : اداره کل تبلیغات اداره هماهنگی روابط عمومی‌های کشور.

بلیک، رید و ادوین هارولدس.۱۳۷۸. طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات، ترجمه مسعود اوحدی، تهران : انتشارات سروش.

تاجیک، محمدرضا.۱۳۷۷. "متن، وانموده و تحلیل گفتمان(۲)". مجله گفتمان. سال اول: شماره اول. صص ۱۶ـ۷.

فرکلاف، نورمن.۱۳۷۹. تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه پیران و دیگران، تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

کیا، علی اصغر.۱۳۸۱.تئوری‌ها و مبانی تحولات تحقیقی رسانه‌ها. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۲. سال نهم.

میرفخرایی، تژا.۱۳۸۳. فرایند تحلیل گفتمان. تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

وان دایک، تئون (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان : از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران : مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

یارمحمدی، لطف‌الله و مجید خسروی نیک.۱۳۸۲."شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری اجتماعی". نامه فرهنگ، شماره ۴۲، ۱۸۱ـ۱۷۳

Content Aualysis and the theory of Signs. Philos. Sci.۱۹۴۳ .Kaplan A،

:"Discourse Analysis — A Primer".۲۰۰۶ .Macmillan, Katie ـ

[Online:http://www.ischool.utexas.edu/~palmquis/courses/discourse.htm]

?"What is meant by "discourse analysis".۲۰۰۶ .Slembrouck, Stef

[Online: http://bank.rug.ac.be/da/da.htm#pr]

Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural Language. Oxford: Basil Blackwell .۱۹۸۳ .Stubbs, Michael